

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

الحاج خلیل الله ناظم باختري

همبورگ - جرمني

تنظيم و ويرايش: پورتال

ظالم

مخمس بر غزلِ محترم فتح محمد "خاکی"

الهی جسم او تا جان بسوزد کسی که هستی انسان بسوزد
میان آتش حرمان بسوزد شرارِ آهِ مظلومان بسوزد
ز سر تا پا جفا کاران بسوزد
نشاید برستمگاران عنایت ز مظلومان خدا دارد حمایت
خروش ناله شان در نهایت به کاخ ظالمان سازد سرایت
بساطِ دفتر و دیوان بسوزد
خدایا این جفا کاران نماند بلای جان مظلومان نماند
اگر ظالم شود سلطان نماند غلام و چاکر و دربان نماند
در و بام و سر و سامان بسوزد
زهیزم خرمنی اندوخت ظالم به عالم آتشی افروخت ظالم
بروزِ واپسین آموخت ظالم تن او را اگرچه سوخت ظالم
ولی در کيفر او را جان بسوزد
بدیدم ماه و سال و چرخ ایام شنیدم صبح صادق تا سرِ شام
صدای ناله آید از در و بام به پاداش ستمگاری در انجام
ستمگر را دژ و دژبان بسوزد
نوی دردمندان چو آتش بسازد شعله های تند و سر کتش
نباشد این حقیقت را غل و غش که اندر عاقبت ظالم به ظلمش
به سان آتش سوزان بسوزد

وطن ای منبع فکر و خیالم ز هجرِ جانگداز تو بنالم
خدا میداند از احوال و حالم شده ثابت که اندر هر دو عالم
بسوزد دردِ بی درمان بسوزد
چه گویم {ناظم} از فریاد وزاری ز آه و گریه و صد بیقراری
چرا ای جان من باور نداری به ظالم هر که سازد سازگاری
چو هیزم خویش را در آن بسوزد
گهر بنیاد باد این حرفِ خاکی اثر ایجاد باد این حرفِ خاکی
جهان آباد باد این حرفِ خاکی شما را یاد باد این حرفِ خاکی
که ظالم را بن و بنیان بسوزد